

بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نوع دوستانه در بین شهروندان همدانی در سال

دکتر محمدرضا حسینی^۱، دکتر اکبر طالب پور^۲ و حسین امامعلی زاده^۳

تاریخ وصول: ۹۳/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۴

چکیده:

تحقیق حاضر، در صدد بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نوع دوستانه در هنگام بروز یک موقعیت اضطراری و بحرانی می باشد. اینکه چه عواملی می توانند در چنین موقعیت هایی در مداخله و ارائه ی رفتار یاری گرانه، نقش تسهیل کننده یا مانع شونده ایفا کنند؛ با این هدف، به نظریه هایی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم درباره ی این موضوع به بحث پرداخته بودند، مراجعه شد. نظریه هایی همچون شهرگرایی، نهادگرایی، غفلت جمعی، لوث مسئولیت و رفتارگرایی چارچوب نظری پژوهش را تشکیل داده و فرضیات تحقیق از آنها استخراج شدند. روش تحقیق، پیمایش و تکنیک مورد استفاده، مصاحبه به کمک پرسشنامه ی محقق ساخته با سؤال های بسته می باشد. جامعه ی آماری تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان همدان بود که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۲ مرکز آمار ایران ۸۸۹۵۸۳ نفر ذکر شده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. نحوه ی نمونه گیری، ترکیبی از روش خوشه ای و تصادفی است. بدین صورت که مناطق مختلف شهری بر اساس عرف اقتصادی - اجتماعی به سه طبقه تقسیم و در مرحله ی اول بر اساس نمونه گیری خوشه ای، از هر طبقه پنج منطقه انتخاب شدند و در مرحله ی بعد، با استفاده از نمونه گیری تصادفی پاسخگویان انتخاب شدند. یافته های تحقیق و آزمون های آماری مربوطه نشان داد که بین نهادگرایی (۰/۴۱-)، شهرگرایی (۰/۷۲-)، غفلت جمعی (۰/۳۷-)، لوث مسئولیت (۰/۲۷-) و رفتارگرایی (۰/۵۶-) و نوع دوستی رابطه ی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر؛ نهادگرایی، شهرگرایی، لوث مسئولیت، غفلت جمعی و تعلق به اصول رفتارگرایی باعث کاهش میزان نوع دوستی در افراد می گردد.

مفاهیم کلیدی: نوع دوستی، شهرگرایی، نهادگرایی، غفلت جمعی، لوث مسئولیت، رفتارگرایی، بی تفاوتی اجتماعی

^۱ استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آیت اله بروجردی (ره) (نویسنده ی مسئول) mrho@abru.ac.ir

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آیت اله بروجردی (ره) a.talebpour@abru.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی h_emamalizadeh@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

اگر جامعه را بعنوان مجموعه انسان‌هایی تعریف کنیم که برای برطرف نمودن احتیاجات خود با یکدیگر روابط متقابل دارند، آن‌گاه به پیروی از رفیع‌پور (۱۳۸۷: ۳۷-۳۶) به این نتیجه خواهیم رسید که «در بررسی جامعه سه عنصر اساسی و هسته‌ای وجود دارد: انسان‌ها، روابط و نیاز». در این رابطه‌ی کلی آنچه بیش از همه اهمیت دارد و وجه ممیزه‌ی جامعه‌ی انسانی از سایر انواع جوامع می‌باشد، وجود روابط و تعاملات بین انسان‌هاست. جایی که تعداد زیادی هم انسان وجود داشته باشد و حتی تمامی آنها یک نیاز مشترک نیز داشته باشند اما با یکدیگر ارتباط و تعامل نداشته باشند، نمی‌توانیم ادعا کنیم که یک گروه (به معنای واقعی آن) و در سطح کلان‌تر، جامعه شکل گرفته است. شکل ایده‌آل و تام این ارتباط به نحوی است که توأم با عاطفه، پویایی، نوع‌دوستی و همدردی و بعلاوه ماندگاری است.

بارها پیش آمده است که از جمع انسان‌ها، کسانی دچار حالتی می‌شوند که شدیداً نیازمند کمک هموعان خود هستند و تنها با حمایت و یاری انسان‌های دیگر قادرند به روال عادی و طبیعی خویش بازگردند. چنین حالتی می‌تواند از نیاز مالی تا همکاری در رفع یک دغدغه‌ی ذهنی شخص نیازمند کمک را شامل شود. ویژگی بارز بسیاری از این حالت‌ها و موقعیت‌ها، اضطراری بودن^۱ آنهاست؛ بدین معنی که هرچه زودتر باید کمک یا دخالت انجام گیرد تا این موقعیت اضطراری رفع گردد. این جاست که اگر تعاملات تامی بین انسان‌ها وجود نداشته باشد، نسبت به چنین مسائلی بی‌تفاوت می‌گردند و خصلت بارز انسان‌ها که ارتباط برقرارکردن با هموعان خود می‌باشد، رو به زوال می‌رود. در چنین حالتی پدیده‌ی بی‌تفاوتی^۲ نسبت به لزوم کمک‌های نوع‌دوستانه اتفاق می‌افتد؛ موضوعی که در این تحقیق سعی می‌شود به بررسی و شناخت آن پرداخته شود.

بی‌تفاوتی موضوعی گسترده و دارای ابعاد مختلفی است. بی‌تفاوتی سیاسی به معنای عدم مشارکت شهروندان در سیاست با شاخص‌هایی نظیر عدم شرکت در رأی‌گیری‌ها مشخص می‌شود، بی‌تفاوتی اقتصادی در برگیرنده‌ی عدم مداخله در فرایند تولید و اشتغال می‌باشد، اما بی‌تفاوتی اجتماعی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن شاهدان و ناظران در کمک به افرادی که در یک موقعیت اضطراری قرار دارند و شدیداً نیازمند کمک هستند، مشارکتی ندارند و با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذرند. از انواع بی‌تفاوتی همین نوع آن منظور است که از آن تحت عنوان "بی‌تفاوتی اجتماعی" نام برده می‌شود و در

^۱ emergency

^۲ apathy

مقابل اصطلاح "نوع دوستی" قرار می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر، جستجوی دلایل و عوامل پدیده‌ی مذکور می‌باشد.

جالب اینکه بسیاری از محققان و صاحب‌نظران، بی‌تفاوتی اجتماعی را متعلق به شهر می‌دانند. آنان معتقدند کیفیت و شکل تعاملات در شهرها به گونه‌ای است که انسان‌ها به سمت بی‌تفاوتی کشانده می‌شوند. «توسعه‌ی شهرهای امروزی تأثیر بسیار زیادی نه تنها بر عادات و شیوه‌های رفتار، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس داشته است» (لس، ۱۹۸۵؛ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۰۴). نمونه‌های کلاسیک هم که برای بی‌تفاوتی در هنگام موقعیت‌های اضطراری ذکر می‌شود، همه در شهر اتفاق افتاده‌اند که باعث جلب نظر بسیاری از جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی به آن شده‌است. از قتل همراه با شکنجه‌ی طولانی مدت یک زن در برابر چشمان حداقل ۳۸ خانواده در یکی از خیابان‌های نیویورک و یا مورد جدیدتر و متأثرکننده در جامعه خودمان، قتل جوانی در میدان کاج تهران در برابر چشمان شاهدان عینی بی‌تفاوت.

در پی وقوع چنین اتفاقات ناگواری، برای برخی از محققان سؤالاتی مطرح شد که نشان از تحت تأثیر قرار گرفتن آنان بود، سؤالاتی نظیر «آیا بشر عصر ما عاطفه‌ی نوع دوستی خود را به کلی از دست است؟ آیا ما چنان اسیر تکنولوژی و ماشین‌ساز شده‌ایم که در برابر مصائبی که بر سر هموعان ما می‌آید، بی‌تفاوت شده‌ایم؟ آیا آنچه را که در اصطلاح علوم اجتماعی نوع دوستی می‌گویند، چیزی جز یک لغت تو خالی و پوچ نیست؟» (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

از این‌رو نوعی نگرش منفی نسبت به شهر شکل گرفته است. یک نمونه از بررسی زندگی در شهر و پیامدهای آن را می‌توان در نظرات زیمیل جستجو کرد که نشان‌دهنده‌ی تغییر روابط و روحیات فرد شهری می‌باشد و در واقع نوعی بدبینی نسبت به شهر در نظرات او مشاهده می‌شود. «به نظر زیمیل شهر محرک عصبی را تشدید می‌کند. شهر جایگاه اقتصاد پولی، تقسیم کار و مشاغل تخصصی است. مبادله‌ی کالا و استفاده‌ی همگانی از پول از روابط میان افراد شخصیت‌زدائی کرده و آنها را بر مدار منافع بازسازی می‌کند» (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۶۷). به طور کلی «شهرگرایی با تغییراتی عمده در ارزش‌ها، عقاید، رسوم اخلاقی، آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی همراه می‌باشد» (نقدی، ۱۳۸۲: ۲۸).

در اینجا تا حدی تشخیص مرز بین روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی دشوار می‌گردد؛ اگر چه این دو نقاط مشترک زیادی نیز دارند. «روانشناسی اجتماعی بعنوان علم مطالعه‌ی رفتار متقابل بین انسان‌ها یا علم مطالعه‌ی تعامل انسان‌ها در محیط اجتماعی شناخته می‌شود» (کریمی، ۱۳۸۶: ۸).

البته برخی از اندیشمندان در کنار معایب زندگی در شهر به برخی جهات مثبت آن نیز اشاره کرده‌اند. مثلاً گیدنز در جامعه‌شناسی (۱۳۸۴: ۶۰۴) آورده است: «برخی شهرها را نماینده‌ی فضیلت متمدنانه، منبع پویایی و خلاقیت فرهنگی می‌دانند ... دیگران به شهر انگِ دوزخی سیاه از دود می‌زنند که در آن جماعت‌های پرخاشگر و متقابلاً بی‌اعتماد ازدحام کرده‌اند و غرق در جنایت، خشونت و فساد است»؛ یا ممتاز (۱۳۸۷: ۳۶) می‌گوید: «محیط شهری نه تنها محیط پیشرفت بوده بلکه جایی بود که فردیت انسان می‌توانست تحقق یابد». اما تحقق یافتن فردیت می‌تواند در برخی حالت‌ها با پدیده‌ی بی‌تفاوتی اجتماعی و عدم نوع‌دوستی همراه باشد.

باید توجه داشت که نقاط منفی و معایب زندگی شهری همواره باعث توجه‌ی محققان و برنامه‌ریزان شهری است زیرا هدف آنها این است که محیط زندگی بهتری برای انسان‌ها فراهم آید. شناخت مسائل و مشکلات، گامی اساسی در فراهم نمودن این محیط به حساب می‌آید.

اهمیت و ضرورت پژوهش

از یک طرف، امروزه بسیار اتفاق می‌افتد که انسان‌ها (از همسایه تا شخص ناشناسی که ماشین او در یک جاده‌ی دور افتاده خراب شده) گرفتار موقعیت‌های اضطراری می‌شوند که به کمک فوری نیاز دارند. اگر انسان‌ها در بسیاری از موقعیت‌ها به فرد نیازمند کمک نکنند، چه بسا زندگی او در معرض نابودی باشد. از طرف دیگر، اگر پدیده‌ی بی‌تفاوتی اجتماعی مربوط به محیط شهری باشد، با توجه به افزایش روزافزون شهرها، لازم می‌آید که این پدیده مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد تا شناختی جامع و قابل اطمینان از آن بدست آید. «شناخت همه‌ی ابعاد مسئله، خود شامل سه بخش می‌شود؛ ۱- شناختن مسئله در همه‌ی اجزایش ۲- شناختن علل و روابط علی یا تبیین مسئله (که چرا این مسئله به وجود آمده است) ۳- شناختن عواقب یا پیشگویی (که اگر این شرایط باقی بماند، در آینده چه خواهد شد؟) و منظور از قابل اطمینان آن است که روش‌های بکار برده شده دارای نقص نباشد» (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۷).

در اکثر جوامع، کمک به هم‌نوعان یکی از اصول انسانیت شمرده می‌شود. علاوه بر این، بویژه در جامعه‌ی ما بدلیل تفوق ارزش‌های مذهبی خاص، کمک به هم‌نوعان همواره مورد مورد توجه و توصیه و بی‌تفاوتی مورد نکوهش بوده است؛ مثلاً در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که مضمون آن چنین است: «گام برداشتن مسلمان در راه حاجت مسلمان، بهتر از هفتاد طواف دور خانه خداست». در تحقیقات مختلف، ارتباط مثبت بین دینداری و نوع‌دوستی تأیید شده‌اند؛ گر چه هر کدام دینداری یا نوع‌دوستی را با روش

خاص مورد نظر خود سنجیده‌اند و هر یک پاسخگویان را در موقعیت‌های مختلفی در نظر گرفته‌اند (برای مشاهده‌ی گزارشی از چند نمونه رجوع شود به: زاده‌محمدی، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۴).

روزانه در سطح جامعه نمونه‌هایی از عدم نوع دوستی را مشاهده می‌کنیم اما برای سنجش معنادار بودن این مشاهدات و تبیین آنها به یک تحقیق و بررسی علمی نیاز می‌باشد. « بررسی علمی هر پدیده به معنی آن است که آیا درون آن پدیده یک نوع روابط علی قابل مشاهده است تا بتوان جواب "چراها" را داد؟» (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۸۷).

از این رو لازم می‌آید در طی یک بررسی علمی مشخص شود سازوکار نوع دوستی در یک موقعیت اضطراری چگونه است؟ آیا بی‌تفاوتی ارزش‌های جامعه ما را تهدید می‌کند؟ یعنی آیا جامعه‌ی شهری ما مستعد و یا دچار بی‌تفاوتی هست؟ اگر هست، شدت آن چقدر می‌باشد؟

اهداف پژوهش

مهم‌ترین هدف تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی و نوع دوستی شهروندان همدانی است. به عبارت دیگر، چه عواملی باعث بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شوند و هر کدام از این عوامل به چه صورت بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تأثیر می‌گذارند. بنابراین سؤالات اساسی این تحقیق عبارتند از:

۱. عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی و نوع دوستی اجتماعی کدامند؟
۲. میزان تأثیر هر کدام از این عوامل چقدر است؟
۳. ساز و کار اثرگذاری این عوامل بر بی‌تفاوتی اجتماعی کدامند؟

واکوی تجربی موضوع

سیروس احمدی (۱۳۸۴)، در بررسی بی‌تفاوتی در روابط اجتماعی و علل و عوامل مؤثر بر آن، می‌نویسد: در فرآیند زندگی اجتماعی روزمره، یک سری وضعیت‌های اضطراری (گرفتاری و دردسر) ناگهانی اتفاق می‌افتند که طی آن بشدت به کمک و یاری دیگران (شاهدان) نیاز می‌شود تا مشکل مرتفع گردد؛ اما در هنگام وقوع این‌گونه حالت‌های اضطراری، واکنش بسیاری از شاهدان، بی‌تفاوتی است. هدف از پژوهش حاضر، اولاً تعیین نسبت بی‌تفاوتی در روابط روزمره‌ی اجتماعی و ثانیاً بررسی ارتباط آن با متغیرهای همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحلیل هزینه - پاداش مادی است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد اولاً در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری روزمره‌ی زندگی اجتماعی ۲۴/۷ درصد شهروندان بی‌تفاوت و ۷۵/۳ نوع دوست‌اند؛ بعلاوه گروه بی‌تفاوت در مقایسه با گروه

نوع دوست دارای همدلی کمتر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتر و تحلیل هزینه - پاداش مادی بیشتر است. یافته‌های این پژوهش با توجه به نتایج دیگر مطالعات و تحقیقات مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که با افزایش همدلی، بالا بردن حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کاهش تحلیل هزینه - پاداش مادی می‌توان بی‌تفاوتی را کاهش و نوع دوستی را افزایش داد. احمدی گروه نوع دوست و بی‌تفاوت را با روش‌های ساده‌ای چون امانت دادن تلفن همراه برای تماس یک غریبه سنجیده که به نظر نمی‌رسد دارای اعتبار لازم بوده باشد. در پژوهش حاضر علاوه بر تازگی و زمانی، از برخی متغیرهای دیگر استفاده شده است.

پژوهشی نیز توسط منصور بیرامی و همکاران (۱۳۹۰)، با هدف پیش‌بینی تحول اخلاقی و میزان نوع دوستی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی بر اساس عامل‌های شخصیتی انجام شد. برای گردآوری اطلاعات جمعیت‌شناختی، پنج عامل شخصیتی (*NEO-FFI*) و پرسشنامه‌های تحول اخلاقی و نوع دوستی «ما» استفاده شد. نتایج رگرسیون همزمان نشان داد که از بین پنج عامل شخصیتی دو بعد روان‌رنجور خوبی (به طور منفی) و انعطاف‌پذیری (به طور مثبت) سهم معنی‌داری در پیش‌بینی تحول اخلاقی دارند و در ادامه نتایج رگرسیون همزمان نشان داد که از بین پنج عامل شخصیتی تنها دو بعد وجدانی بودن قادر به پیش‌بینی میزان نوع دوستی دانشجویان می‌باشد (بیرامی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۱). چندان که مشخص است، آنان نوع دوستی را بر اساس متغیرهای روانشناختی سنجیده‌اند اما تحقیق حاضر سعی می‌کند نوع دوستی را با متغیرهای اجتماعی و جامعه‌شناختی بسنجد.

پژوهشی نیز توسط تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰)، با عنوان بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی) صورت گرفته که اهداف آن، شناسایی چگونگی پدیده‌ی یاد شده در جامعه‌ی آماری و سنجش همبستگی آن با برخی متغیرهای مؤثر به منظور سنجش میزان اثرگذاری هر یک از آنها بر بی‌تفاوتی اجتماعی بود. یافته‌های این تحقیق نشان داد؛ بین بی‌هنجاری (آنومی)، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش و التزام مدنی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری به دست آمد. بر اساس یافته‌های بدست آمده در این مطالعه، نوسانات پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی تغییر می‌کند (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰). در پژوهش آنها، نوع دوستی یکی از معانی زیرمجموعه‌ی بی‌تفاوتی در نظر گرفته شده‌است و در واقع با توجه به متغیرهای تحقیق منظور آنها از بی‌تفاوتی، بیشتر عدم مشارکت سیاسی - اجتماعی

می‌باشد اما در این پژوهش مفهوم نوع دوستی با متغیرهای مستقل دیگری سنجیده شده است.

چارچوب نظری پژوهش

« نظریه به مثابه توری است که انسان برای صید عالم قابل مشاهده، تبیین این عالم، پیش‌بینی و تأثیر بر آن می‌بافد ... » (دوچ، ۱۳۷۴: ۶). نقش نظریه‌ها به مثابه تابلوهای راهنمایی در یک مسیر پرپیچ و خم و دارای فرعی‌های متنوع هستند که استفاده از آنها لازم و غیر قابل اجتناب می‌نماید.

نظریه تخصص‌گرایی دورکیم

یکی از مهم‌ترین مفاهیم نظری دورکیم، تقسیم کار اجتماعی است. او معتقد است تقسیم کار افراد را غیر مهم و در عوض پست‌های سازمانی را مطرح می‌کند. انسان‌ها به این پی می‌برند که انسان‌های دیگر چه باشند و چه نباشند، این پست‌های سازمانی از پس رفع نیازهای آنها برمی‌آیند. شاید برداشت دیگر این باشد که با تخصصی شدن جامعه، "مای جمعی" انسان‌ها ضعیف می‌شود و از طرف دیگر، آنها در کارها و اموری که در تخصص آنها نباشد، دخالت و مشارکت نمی‌کنند؛ مثلاً اگر منزل شخصی دچار آتش‌سوزی شده بود، تصور این باشد که این وظیفه‌ی آتش‌نشان است که آتش را خاموش کند و امثال آن؛ بنابراین او معتقد است ریشه‌های اتفاقات اجتماعی روزمره را باید در عوامل اجتماعی دیگر جست و جو نمود. « هیچ عاملی غیر از عوامل جامعه‌شناختی و اجتماعی را نمی‌توان به عنوان عامل آسیب‌های اجتماعی قلمداد نمود » (تنهایی، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

بنابراین از نظر دورکیم « گر چه تقسیم کار باعث افتراق افراد بر حسب مشاغلشان می‌شود و گذر از جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی مکانیکی به جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی ارگانیکی، افراد را مستقل می‌کند اما آنان را از ارزش‌های مشترک اجتماعی دور می‌کند » (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۳). به عبارت دیگر؛ « دورکیم از پیامدهای پیشرفت و تمدن هراسناک بود و فردگرایی و بی‌تفاوتی را از عوارض خطرناک آن به شمار می‌آورد. وی معتقد بود که با تراکم جمعیت و سپس تراکم اخلاقی و در نتیجه تقسیم کار، از بین رفتن هویت‌های محلی و گوناگونی و تضادهای فرهنگی، آنومی به وجود می‌آید (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۳ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۹). آنومی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد؛ شرایطی که هنجارهای تعیین‌کننده و هدایت‌گر رفتار انسان از بین رفته‌اند (ضمانت اجرای آنها یا اعتقاد به ارزش آنها دچار سستی شده) و یا با یکدیگر تعارض پیدا کرده‌اند.

نظریه شهرگرایی جورج زیمیل

از نظریه پردازان مطرح که در باب روابط انسان‌ها و کنش متقابل در محیط شهری و کم و کیف آن نظریات جالب توجهی ارائه کرده باشد، می‌توان به جورج زیمیل اشاره کرد. «زیمیل اساساً شناخت کنش متقابل میان آدم‌ها را یکی از وظایف عمده‌ی جامعه‌شناسی می‌داند» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۹)؛ و حتی می‌گفت «جامعه همان نامی است برای تعدادی از افرادی که از طریق کنش متقابل به یکدیگر پیوسته‌اند» (کوزر، ۱۳۷۴: ۲۴۹)؛ بنابراین موضوع محوری اندیشه زیمیل، شناخت کنش متقابل در سطوح و موقعیت‌های مختلف می‌باشد.

زیمیل در مقاله‌ی معروف خود، «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، مجموعه‌ای از خصوصیات مختلف را به زندگی در محیط شهری نسبت می‌دهد. او معتقد است محیط‌های شهری بالقوه واجد ویژگی‌هایی است که پیامدهای معینی در پی دارد. نقدی (۱۳۸۲: ۸۸) پیامدهای زندگی شهری را از دید زیمیل، این‌گونه خلاصه کرده است؛ «۱- تسلط روحیه‌ی حساب‌گری؛ ۲- وقت‌شناسی؛ ۳- پیدایش روحیه‌ی دوگانه‌ی بی‌تفاوتی و آزادی؛ ۴- کاهش نظارت‌های سنتی و توسعه‌ی وسایل کنترل رسمی؛ ۵- تسلط روحیه‌ی فردگرایی؛ ۶- از خود بیگانگی و ۷- فراهم شدن زمینه‌ی بروز آسیب‌های اجتماعی - روانی».

اگر بخواهیم دو مفهوم محوری در کار زیمیل که مرتبط با هدف تحقیق حاضر باشد را در مرکز توجه خود قرار دهیم، یکی، تحریک‌پذیری بالای ذهن و اعصاب انسان ساکن در شهر می‌باشد که در طول روز چندین بار اتفاق می‌افتد و فرد شهرنشین برای حفظ آرامش و امنیت خود ناچار است تعدادی از محرک‌ها را نادیده بگیرد و نسبت به آنها واکنش نشان ندهد و دیگر، رواج اقتصاد پولی است که روحیه‌ی حساب‌گری (عقلانیت ابزاری) و تا حدودی فردگرایی را در پی دارد. «بزرگ‌شهر کانون اقتصاد پولی بوده است که رابطه‌ای نزدیک با تسلط عقل بر رفتار و گرایش‌های واقع‌بینانه مبتنی بر محاسبه با پدیده‌ها را دارد. فردی که به عقل ابزاری متوسل می‌شود، در ضمن نوعی بی‌تفاوتی نسبت به پدیده‌ها دارد و روابط شخصی و عاطفی را کمتر در امور دخالت می‌دهد. در چنین حالتی، همه چیز یا همه‌ی وقایع و حتی کیفیت‌ها قابل سنجش با یک معیار، یعنی پول می‌شوند (ممتاز، ۱۳۸۷: ۱۱۸ و توسلی، ۱۳۸۶: ۸۱).

غالباً همچنین است که ملاک عقلانی بودن یک رفتار با معیارهای عینی نظیر مادیات یا چیزهایی قابل تبدیل به مادیات سنجیده می‌شود. به بیان دیگر؛ عقلانیت هر کنشی را با سود مادی می‌سنجند. با توجه به این امر اخلاقی زیستن عقلانی است یا نه؟» (اخوان، ۱۳۸۷: ۲۱).

نتیجه اینکه «در کلان‌شهر، ذهن شهری با اقتصاد پولی عمیقاً پیوند یافته‌اند. پیچیدگی زندگی شهری ما را مجبور به وقت‌شناسی، حسابگری و دقت می‌کند و جهان را به یک مسئله‌ی ریاضی تبدیل می‌کند. شهرنشین آدمی است دلزده، دارای نگرشی محتاطانه و حتی انزجارآور نسبت به دیگران، از درگیر شدن با احساسات، از یک طرف، و با بی‌اعتنایی، از طرف دیگر، خود را حفظ می‌کند ... شهرنشین، به جای قلب با سر واکنش نان می‌دهد» (کرایب، ۱۳۸۹: ۲۸۶). فرد در محیط شهری حساب‌گر، غیر احساساتی و خشک و ماشینی می‌شود.

نظریه لوث (پخش) مسئولیت؛ جان دارلی و بیب لاتانه

بر اساس این نظریه، در موقعیت‌های اضطراری اگر بیش از یک نفر حضور داشته باشد، هر کس مسئولیت دخالت در موقعیت را به دیگری محول کرده و خود را از یاری رساندن مبرا می‌داند. یعنی هر شخص حاضر در موقعیت اضطراری نزد خود چنین تصور می‌کند که اگر لازم به دخالت و یاری رساندن بود، دیگران این کار را می‌کردند حالا که دخالتی نمی‌کنند حتماً نیاز نیست! «که به صورت: چرا من؟ و چرا دیگران نه؟ جلوه می‌کند» (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

با این استدلال، «این پژوهشگران فرضیه‌ای مطرح کردند مبنی بر اینکه صرف تعداد افرادی که ناظر بر یک موقعیت اضطراری هستند، عمل یاری و مددکاری را سخت و دشوار کرده است. بدین معنا که اگر شمار بسیاری به تماشای حادثه بایستند، احتمال کمک به مصدوم را کاهش می‌دهند» (ارونسون، ۱۳۸۷: ۷۳؛ ستوده، ۱۳۸۹: ۵۳). بر این اساس، هر چه تعداد افراد حاضر در یک موقعیت اضطراری بیشتر باشد، احتمال کمک به فرد نیازمند و یاری رساندن به او کمتر می‌شود چرا که همه می‌خواهند نشانه‌ی رفتار درست و مناسب را از دیگر ناظران بگیرند در حالی که دیگران نیز منتظر رفتار دیگران هستند!

نظریه غفلت جمعی

بر اساس این نظریه، نوع دوستی یا عدم دخالت ناظرین و افراد حاضر در یک موقعیت اضطراری، به دلیل نوع برداشت و تعریف آنها است. بدین معنی که ممکن است ناظر یا ناظرین هنگام برخورد با یک چنین موقعیت‌هایی آن را اضطراری تشخیص ندهند. به عبارت دیگر، «غفلت جمعی، ناظر بر این نکته است که تماشاجی یا تماشاجیان یک صحنه اضطراری، آن را تا چه حد بعنوان یک موقعیت اضطراری درک کنند» (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). مثلاً ممکن است ناظران کتک زدن بچه توسط پدرش را تربیت او تلقی کند و حق را به پدر بدهند و یا ممکن است این عمل پدر را خشونت علیه کودکان تلقی نمایند و پدر

را متهم تلقی کند؛ در هر دو حالت، رفتار ناظران متفاوت خواهد بود. «به هر حال، ابهام یک موقعیت می‌تواند سبب عدم دخالت ناظران در آن موقعیت شود» (یا کیموویچ و سانتر، ۱۹۷۱؛ به نقل از کریمی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). در چنین شرایطی با نوعی ابهام موقعیت روبرو هستیم و همین قضیه به نوعی بیانگر هم‌پوشانی این نظریه با نظریه‌ی لوث مسئولیت می‌باشد. « هنگامی که واقعیت مبهم باشد، دیگران بعنوان منبع اطلاعات به حساب می‌آیند» (ارونسون، ۱۳۸۷: ۵۸).

نظریه رفتارگرایی هومنز

رفتارگرایی با نام بی. اف. اسکینر پیوند خورده است و رفتار و شکل‌گیری رفتار که اساساً چیزی جز رفتارهای دیگر نیست، موضوع بررسی اصلی اسکینر به حساب می‌آید. منظور از رفتارهای دیگر پاداش‌ها و خسارت‌هایی است که زمینه‌ی شکل‌گیری رفتار را به وجود می‌آورد. کار اسکینر عمدتاً در حوزه‌ی روانشناسی بوده اما الهام‌بخش یکی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی هم هست که با نام نظریه‌ی جامعه‌شناسی رفتاری شناخته می‌شود. اسکینر معتقد بود « نسبت دادن احساس، تفکر، آزادی و شأن به انسان‌ها به منزله‌ی خود مختار انگاشتن آنهاست [در حالی که] یکی از هدف‌های عمده‌ی اسکینر، حذف مفهوم به اصطلاح خودش، "انسان خود مختار" از علوم اجتماعی و در واقع از صحنه جهان است» (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۰۶-۴۰۵).

جامعه‌شناسی رفتاری در واقع کوششی است در جهت کاربرد اصول رفتارگرایی روانشناختی در مورد مسائل جامعه‌شناختی به عبارت دیگر، «جامعه‌شناسی رفتاری به بررسی رابطه‌ی میان سابقه‌ی واکنش‌های محیطی یا پیامدهای رفتار و ماهیت رفتار کنونی علاقمند است. یک جامعه‌شناس رفتاری می‌گوید که پیامدهای گذشته رفتار معین بر حالت کنونی آن تسلط دارد» (دوچ، ۱۳۷۴: ۱۲؛ ریترز، ۱۳۷۴: ۴۰۸). منظور این است که ریشه‌ی رفتار فعلی فرد را باید در گذشته‌ی او و پیامدی که رفتار او در گذشته برایش داشته، جست‌وجو کرد. « تجربیات شخص بر ادراک، گرایش و رفتارها و تعاملات او تأثیر می‌گذارد» (محمدی‌اصل، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

هومنز بعنوان یکی از نمایندگان این دیدگاه نظری، شدیداً تحت تأثیر رفتارگرایی روان‌شناختی اسکینر قرار داشت. تفاوت قابل‌ذکری که نظریه‌ی هومنز با کار اسکینر و نظریه‌ی جامعه‌شناسی رفتاری دارد این است که او تا حدودی به قدرت تفکر و ارزیابی موقعیت‌ها توسط انسان‌ها اعتقاد داشت، اگر چه زمینه‌ی اصلی کار رفتارگرایان یعنی تقویت و پاداش را حفظ کرده بود. نظریه‌ی هومنز را می‌توان بعنوان نظری خلاصه کرد که کنشگر را یک سودجوی عاقل می‌انگارد از این‌روست که گفته می‌شود « اخلاق شکل

گرفته در این مکتب (مکتب مبادله و داد و ستدگرایی) اخلاقی بازاری و سودجویانه است» (تنهایی، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

هومنز معتقد بود کنشگر می‌تواند پس از ارزیابی موقعیت‌ها، تصمیم بگیرد که چه کنشی از خود نشان دهد تا بیشترین پاداش و کمترین تنبیه را بدست آورد اما تصمیم او به چند قضیه‌ی اساسی که به قضایای بنیادی هومنز معروفند، بستگی خواهد داشت. طبق یکی از این قضایا (قضیه‌ی موفقیت)، غالباً این‌گونه است که هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار بگیرد، احتمال تکرار آن عمل بوسیله‌ی همان شخص افزایش می‌یابد» (ریترز و دوچ، ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۲۳).

جان پیلیاوین نیز در چارچوب نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی، یک نظریه‌ی پنج مرحله‌ای را در تبیین بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی مطرح می‌کنند که بنیاد آن محاسبه‌ی هزینه - پاداش^۱ است. به اعتقاد او، افراد ناظر در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطراری به سرعت هزینه‌ها و پاداش‌های بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی را بررسی می‌کنند در صورتی که هزینه‌ی کمک کردن پایین یا هزینه‌ی کمک نکردن بالا باشد، فرد ناظر اقدام به نوع‌دوستی خواهد کرد و در صورتی که هزینه‌ی کمک کردن بالا یا هزینه‌ی کمک نکردن پایین باشد، فرد ناظر با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت (پیلیاوین، ۱۹۹۰: ۶۵-۲۵). به عبارت دیگر، پاداش‌دهنده بودن و موفقیت تعاملات و روابط شخصی برای همگی ما حائز اهمیت است (فرگاس، ۱۳۷۳: ۱۵).

بنابراین، به طور مشخص، مفهوم دریافت خسارت را از این دیدگاه نظری گرفته و قصد سنجش و ارزیابی رابطه‌ی آن با مفهوم نوع‌دوستی را داریم. از این منظر، می‌توان افراد را به دو دسته تقسیم نمود؛ کسانی که از تجربیات نوع‌دوستانه گذشته خود خسارت یا تنبیه دریافت نموده‌اند و کسانی که بر اساس شنیده‌ها و تجربه‌های دیگران تصور می‌کنند در صورت مداخله خسارت خواهند دید و به اصطلاح به دردسر خواهند افتاد؛ گرچه خودشان هیچ تجربه‌ی عملی در این زمینه نداشته باشند. در هر صورت، آنها دارای گرایش و دیدگاه منفی نسبت به نوع‌دوستی در موقعیت‌های اضطراری خواهند داشت.

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به نظریه‌هایی که شرح آنها آمد، در بحث از عوامل مؤثر بر نوع‌دوستی، این عوامل را ذیل پنج مفهوم تخصص‌گرایی، شهرگرایی، پخش مسئولیت، غفلت‌جمعی، و تجربه‌ی خسارت از رفتارهای نوع‌دوستانه‌ی گذشته مورد سنجش قرار خواهیم داد.

¹ cost-reward analysis

فرضیات پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین نهادگرایی (اعتقاد به دخالت نهادهای تخصصی در مواقع اضطراری) و نوع دوستی رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین شهرگرایی (عقلانیت، محاسبه‌گری و عدم تحریک‌پذیری عاطفی) و نوع دوستی رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین غفلت جمعی (درک موقعیت بعنوان موقعیتی اضطراری) و نوع دوستی رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین لوث مسئولیت (حضور دیگران در صحنه و اعتقاد به دخالت آنها) و نوع دوستی رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین دریافت خسارت از تجربیات گذشته و نوع دوستی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی و ابزار پژوهش

«واژه‌ی روش در اینجا به معنای راه‌های به دست آوردن شواهد و دستکاری آنها، و یا به بیان متعارف‌تر، فنون گردآوری و تحلیل داده‌هاست» (بلیکی، ۱۳۹۰: ۴۳). روش مورد استفاده در این پژوهش "پیمایش"^۱ می‌باشد. تحقیق پیمایشی روشی است برای گردآوری داده‌ها که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص و یکسان پاسخ دهند (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۹۶). مهم‌ترین ویژگی این روش، امکان تعمیم نتایج به دست آمده از یک نمونه به جامعه‌ی آماری است. در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی محقق ساخته است که در آن مجموعه‌ای از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت^۲ به پاسخگویان ارائه شد.

جامعه آماری، حجم نمونه، شیوه نمونه‌گیری و واحد تحلیل

«جامعه‌ی آماری^۳ به مجموعه‌ای از افراد، اشیاء، اعداد و یا چیزهایی گفته می‌شود که حداقل در یک ویژگی مشترک باشند و محقق علاقمند باشد یافته‌های پژوهش را به آنها تعمیم دهد» (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۴۴). جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان همدان می‌باشند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران ۸۸۹۵۸۳ ذکر شده است.

^۱ survey

^۲ Likert scale

^۳ static population

نمونه یا جمعیت نمونه عبارت است از هر جزء از جامعه (همان: ۲۴۳) که باید دارای صفاتی چون نمایا و معرف بودن، و تعمیم‌پذیری باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۴۳). در این تحقیق، با استفاده از فرمول کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۳۸۳)، حجم نمونه‌ی به دست آمده ۳۸۴ نفر محاسبه گردید.

پس از تعیین حجم نمونه، بایستی در مورد نحوه‌ی نمونه‌گیری از جامعه‌ی آماری تصمیم‌گیری نمود. «فرآیند انتخاب تعدادی از افراد، حوادث و اشیاء از یک جامعه تعریف شده بعنوان نمایندگی آن جامعه را نمونه‌گیری گویند» (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۴۳). شیوه‌ی نمونه‌گیری ما در مرحله‌ی اول، خوشه‌ای و در مرحله بعد تصادفی می‌باشد.

در این پژوهش با توجه به ۴۵ منطقه و محله‌ی موجود در شهر همدان، ابتدا، مناطق موجود را با توجه به ملاک‌های عرفی، اجتماعی و اقتصادی در سه طبقه‌ی پایین‌شهر، متوسط و بالای شهر دسته‌بندی و در مرحله‌ی بعد، از هر طبقه (از طبقات سه‌گانه‌ی فوق)، ۵ منطقه را به شیوه‌ی تصادفی ساده (قرعه‌کشی) انتخاب کردیم و در هر کدامیک از مناطق انتخاب شده، از یک یا دو بلوک، ۲۶ پاسخگو را به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار دادیم. در این تحقیق واحد تحلیل "فرد" می‌باشد.

اعتبار و پایایی

مفهوم اعتبار^۱ پاسخ به این سؤال است که تا چه اندازه ابزار اندازه‌گیری خصیصه‌ی مورد نظر را می‌سنجد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). اعتبار پرسشنامه‌ی تحقیق، از نوع صوری می‌باشد. منظور از اعتبار صوری، میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است» (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۲۸۷). در این پژوهش، پرسشنامه‌ی تهیه شده در اختیار استاد راهنما قرار گرفت تا ایرادات آن برطرف شود.

برای اینکه بدانیم آیا ابزار سنجش دارای ویژگی تکرارپذیری است یا خیر از پایایی^۲ استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، «اگر خصیصه‌ی مورد نظر را با همان روش تحت شرایط مشابه بیش از یک‌بار اندازه‌گیری کنیم، نتایج تا چه حد مشابه خواهند بود» (همان: ۲۸۸). در این مطالعه نیز برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در دو مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون (آزمون نهایی) استفاده شده است.

^۱ validity

^۲ reliability

جدول ۱: میزان آلفای بدست آمده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق

شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفای آمون مقدماتی	ضریب آلفای کرونباخ نهایی
نهادهای گرایبی	۴	۰/۶۰	۰/۷۳
شهرگرایی	۶	۰/۷۳	۰/۷۸
غفلت جمعی	۴	۰/۶۹	۰/۸۸
لوث مسئولیت	۴	۰/۷۹	۰/۸۴
تجربه خسارت	۴	۰/۸۳	۰/۸۹
نوعدوستی	۴	۰/۶۸	۰/۷۵

(مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰)

میزان آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌های تحقیق محاسبه شد و با توجه به اینکه همه‌ی این ضرایب در آزمون نهایی بزرگ‌تر از ۰/۷۰ می‌باشند، قابل قبول بوده و این موضوع نشان‌دهنده‌ی همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم موردنظر است؛ بدین ترتیب می‌توان گفت که تحقیق از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها**نهادگرایی**

«جوامع در طول زمان باقی می‌مانند زیرا مردم شیوه‌هایی برای برخورد با وضعیت‌های مستمر پدید آورده‌اند. این‌گونه شیوه‌های تثبیت شده، نهادهای اجتماعی نامیده می‌شوند» (شارون، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۹). به عبارت دیگر، منظور از نهاد، مجموعه قواعد و روش‌هایی نسبتاً پایداری است که هر جامعه برای برآورده شدن نیازهای خود تدارک دیده است. اگر چه تعریف مذکور از نهاد، یک تعریف فرهنگ‌نامه‌ای است اما در عرف اجتماعی، نهاد هم معنی سازمان در نظر گرفته می‌شود و اصلاح نهاد، یادآور سازمانی با وظایف و مشخصات فیزیکی خاصی است. «سازمان تجمع بزرگی از افراد است که بر اساس روابط غیر شخصی اداره می‌شود و برای رسیدن به هدف‌های معین ایجاد گردیده است و در ساختمان‌ها یا محیط‌های فیزیکی که مخصوصاً برای تحقق آن هدف‌ها ساخته شده، جای داده‌اند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۱۵-۳۱۴).

در تحقیق حاضر، منظور ما از نهادهای تخصصی، سازمان‌هایی می‌باشند که در فلسفه‌ی وجودی آنها اهداف کاملاً مشخصی پیش‌بینی شده است و انحصاراً در راستای دستیابی به آن اهداف تعریف شده فعالیت می‌کنند. اعتقاد به دخالت نهادهای تخصصی در مواقع اضطراری، با استفاده از گویه‌های زیر سنجیده شده است:

۱. تصور کنید در شهری زلزله‌ای آمده است و شدیداً نیاز به کمک‌های مردمی می‌باشد؛ تاچه حد امکان دارد با وجود نیروهای هلال احمر و ... شما هم به کمک بروید؟
۲. تصور کنید فردی به دلیل جرمی غیر عمد متحمل پرداخت دیه شده است اما توان پرداخت آن را ندارد و به همین دلیل خانواده‌ی وی در شرایط بسیار دشواری به سر می‌برند، شما توان مالی پرداخت آن را دارید. با وجود نهادهای حمایتی دولتی، تا چه حد امکان دارد دیه‌ی آن شخص را پرداخت نمائید؟
۳. تصور کنید گوشه‌ای از خیابان دعوایی افتاده است؛ نیروهای انتظامی هم در محل هستند. تا چه حد ممکن است شما اقدام به جلوگیری از دعوا بپردازید؟
۴. خبردار شدید همسایه‌تان از چهارپایه افتاده و حال خوبی ندارد؛ اهالی خانه کاری از دستشون برنمی‌آید اما شدیداً نیاز به کمک است تا به بیمارستان رسانده شود؛ آمبولانس در راه است اما مشخص نیست کی می‌رسد، در چنین شرایطی تا چه حد ممکن است بدون آنکه از شما خواسته شود، به کمک بروید؟

شهرگرایی

زندگی در شهر، دارا و همچنین موجد خصوصیات است که کیفیت و حتی کمیت زندگی ساکنان آن را متفاوت از ساکنین نواحی غیرشهری می‌کند. البته منظور از شهر هم صرفاً جایی نیست که دارای میزان جمعیت خاص یا نهادها و سازمان‌هایی نظیر شهرداری باشد، بلکه جایی است که تراکم بالا، روابط ثانویه و غیر عاطفی، فردگرایی، روحیه‌ی حساب‌گری، مادی‌گرایی و عقلانیت ابزاری حاکم باشد. مجموع این ویژگی‌ها، شهرگرایی را بوجود می‌آورد که گویه‌های زیر سنجیده شده است:

۱. مشکلات دیگران ربطی به من ندارد.
۲. آدم در هر کاری بایستی ببیند چه نفعی می‌برد.
۳. اگر بخواهی برای هر کسی دل بسوزانی، به هیچ کارت نمی‌رسی.
۴. هر کسی خودش باید از پس مشکلات خودش بر بیاید.
۵. آدم باید با عقلش تصمیم بگیرد نه از روی احساسات.
۶. مشغله‌ی خودم به حدی است که دیگر وقت توجه به مشکلات دیگران ندارم.

شناسایی موقعیت به عنوان اضطراری

در زندگی روزمره، ممکن است آدمی در کوچه و خیابان با موقعیت‌هایی مواجه شود که شخص یا اشخاصی نیازمند کمک و حمایت باشند (اعم از اینکه شخص نیازمند درخواست یاری کرده باشد یا نه)، اما ابهامی وجود داشته باشد که آیا واقعاً نیازی به کمک هست یا نه؟ در واقع فردی که در چنین موقعیتی است، نمی‌داند یا نمی‌تواند تصمیم بگیرد که آیا این یک موقعیت اضطراری است که می‌بایست در روند آن دخالت کند یا یک موقعیت غیر اضطراری و معمولی. ویژگی بارز اضطراری بودن موقعیت‌ها، شرایط ناخوشایندی است که آدمی خواسته یا ناخواسته در آن قرار می‌گیرد و شدیداً و سریعاً نیازمند به یاری دیگران است تا آن حالت ناخوشایند و منفی برطرف گردد. اگر شرایط اضطراری تشخیص داده شود، احتمال دخالت و یاری رساندن وجود خواهد داشت.

درک پاسخگویان از اضطراری یا معمولی بودن موقعیت‌ها برای یاری‌رسانی از طریق گویه‌های زیر سنجیده شده است:

۱. با خودروی خود شبانه‌گام در یک مسیر بیرون شهر رانندگی می‌کنید. راننده‌ی دیگری در بین راه توقف کرده و ظرفی در دست گرفته که گویا بنزین تمام کرده است؛ تا چه حد احتمال می‌دهید او یک سارق بوده باشد؟
۲. صدای فریاد مردی و کمک‌خواهی زنی را از خانه‌ای می‌شنوید که به مرور جدی‌تر می‌شود. در چنین موقعیتی تا چه حد امکان دارد این موقعیت را غیر شخصی تلقی نموده و به کمک و مداخله بشتابید؟
۳. تا چه حد کسانی را که گاهاً درخواست کمک مالی می‌کنند، واقعاً نیازمند می‌دانید؟
۴. شخصی به شما مراجعه می‌کند و با تمام جزئیات به شما توضیح می‌دهد که فرزندش در بیمارستان بستری شده و اگر پول تهیه نشود، فرزندش عمل نشده و جانش به خطر خواهد افتاد؛ تا چه حد امکان دارد حرف‌های او را جدی تلقی کنید؟

لوٹ (بخش) مسئولیت

در یک موقعیت اضطراری که عده‌ای چند در صحنه حضور دارند، ممکن است همگی یا بیشتر آنها شرایط را اضطراری تشخیص دهند اما دخالت و یاری‌رسانی را موکول به اقدام و شروع "دیگری" کند تا بعد خودشان نیز از او پیروی کنند. همین موضوع ممکن است یاری‌رسانی در یک شرایط بحرانی و اضطراری را دچار تأخیر بکند. جهت سنجش دیدگاه پاسخگویان تحقیق در این زمینه از گویه‌های ذیل کمک گرفته شده است:

۱. اگر جایی نیاز به کمک باشد، دیگران هستند من مسئولیتی ندارم.

۲. اگر واقعاً نیاز به کمک بود، قبل از من دیگران کمک می‌کردند.
۳. اگر در موقعیتی نیاز به کمک باشد، کاری به دیگران ندارم؛ خودم پیش‌قدم می‌شوم.
۴. هر جا که ببینم دیگران کمک می‌کنند من هم کمک می‌کنم.

دریافت خسارت از تجربه نوع‌دوستی گذشته

منظور از دریافت خسارت، خسارت جانی، مالی یا معنوی از تجربه‌ی نوع‌دوستی و یاری‌رسانی در یک موقعیت اضطراری گذشته است. در واقع قبلاً فرد یک یا چند بار به دیگران در شرایط اضطراری کمک رسانده است اکنون اینکه نوع‌دوستی خویش را تکرار کند یا نه، بستگی به خسارتی دارد که دفعات قبل گرفته است. ناگفته نماند که ممکن است برخی بدون هر گونه چشم‌داشت پاداش مالی اقدام به یاری‌رسانی کنند اما ممکن است این عده نیز حداقل قائل به عدم دریافت خسارت آگاهانه از طرف مقابل را انتظار داشته باشند. اطلاع از نگرش پاسخگویان در این زمینه از طریق گویه‌های زیر حاصل خواهد شد:

۱. همیشه جواب خوبی‌های آدم را با بدی جواب می‌دهند.
۲. هر وقت نیاز بوده، دیگران به من کمک کرده‌اند.
۳. همیشه کاری می‌کنند که آدم از کمک کردن خودش پشیمان می‌شود.
۴. من معتقدم اگر گره از کار کسی باز کنی، دیگران هم گره از کار تو باز خواهند کرد.

نوع‌دوستی

واژه‌ی نوع‌دوستی^۱ نخستین بار توسط آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷) فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی به کار رفت و مقصود او دلبستگی و توجه به دیگران بعنوان یک اصل راهنمای عمل است. به نظر او خودگرایی تابعی است از نوع‌دوستی و این همان مسئله‌ی حیات انسانی است. پیش از آگوست کنت، فیلسوفان به جای واژه‌ی نوع‌دوستی از تعبیر دیگری همچون نیکوکاری^۲، خیریه^۳، یا احساس داشتن و مهربانی^۴ استفاده می‌کردند. جدای از مباحث واژه‌شناختی، مسئله در فلسفه‌ی اخلاق همان سازگاری یا عدم سازگاری جمع حبّ ذات و نوع‌دوستی است (اخوان، ۱۳۸۷: ۲۳).

^۱ altruism

^۲ beneficence

^۳ charity

^۴ compassion

این مفهوم از سوی عالمان هر رشته به شکل و با نقطه‌ی تأکید متفاوتی تعریف شده است (برای مرور چند نمونه مراجعه شود به پیلیاوین، ۱۹۹۰: ۲۹). برکوتیس و کرییز به نقل از واستا و همکاران (۱۹۸۸)، معتقدند که نوع دوستی یک رفتار داوطلبانه و بدون انتظار پاداش است که هدفش سود رساندن به دیگران است (محمدی، ۱۳۷۳: ۳۶-۳۷). بنابراین دگردوستی به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد به یاری دیگران می‌پردازد (ستوده، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

نیگل عنصر مشترک اخلاق را نوع دوستی می‌داند و می‌گوید: «نوع دوستی از خودگذشتگی خاضعانه نیست بلکه تمایل به انجام فعل برای منافع دیگران است، بدون نیاز به انگیزه‌های پنهانی» (نیگل، ۱۹۷۰: ۷۹؛ به نقل از: ملایوسفی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). منظور از نوع دوستی در پژوهش حاضر، گرایش به انجام رفتارهایی است که فرد در یک موقعیت اضطراری که نیاز به مداخله و کمک است، به نفع دیگران انجام می‌دهد. این که عوامل و شرایط مؤثر بر رفتارهای نوع دوستانه کدامند، موضوعی است که سعی می‌شود با متغیرهای مستقل پیشنهادی در این تحقیق به آن جواب داده شود.

نوع دوستی با گویه‌های زیر سنجیده شده است:

۱. به جمله‌ی « بنی آدم اعضای یکدیگرند » اعتقاد کامل دارم.
 ۲. آدمی همواره باید به دیگران خیر و نفع برساند.
 ۳. انسانیت حکم می‌کند که در مواقع نیاز به دیگران کمک کنم.
 ۴. همنوع بودن دلیلی برای کمک به دیگران نیست.
- با جمع نمره‌های پاسخگویان به گویه‌های هر متغیر، شاخص‌های آماری جدول زیر محاسبه شد. از طرق کدگذاری مجدد مجموع نمره‌های هر فرد در قالب سه دسته، توصیفی کلی از وضعیت توزیع شاخص‌ها در بین پاسخگویان بدست آمد.

جدول ۲: شاخص‌های آماری متغیرهای تحقیق

نوع دوستی	تجربه‌ی خسارت	لوث مسئولیت	غفلت جمعی	شهرگرایی	نهادگرایی	
۹/۲۲۹	۱۳/۲۳۹	۱۴/۰۷۳	۹/۰۲۸	۲۰/۶۴	۱۰/۶۳	میانگین
۲/۵۲۵	۳/۷۰۷	۳/۰۴۹	۲/۲۶۲	۲/۹۹۲	۳/۰۲۴	انحراف معیار
۶	۶	۱۰	۶	۱۱	۴	مینیمم نمره
۱۵	۱۵	۲۰	۱۲	۲۵	۲۰	ماکزیمم نمره

✓ بر اساس یافته‌ها، ۵۵ درصد از پاسخگویان در حد زیادی قائل به نهادگرایی در برخورد با موقعیت‌های اضطراری هستند؛ در واقع آنها اعتقاد به دخالت نهادهای تخصصی هنگام بروز یک موقعیت اضطراری دارند.

- ✓ یافته‌ها گویای این مطلب است که ۶۴ درصد از پاسخگویان تحقیق روحیه‌ی شهرگرایی بالایی دارند و در واقع، با توجه به گویه‌های تحقیق، این میزان از افراد، مستعد ویژگی‌هایی که به افراد ساکن شهری نسبت داده می‌شود، هستند.
- ✓ یافته‌ها نشان داد ۴۶ درصد از پاسخگویان در برخورد با یک موقعیت چالشی، اعتقادی به اضطراری بودن آن موقعیت ندارند.
- ✓ همچنین طبق بیان خود پاسخگویان، عملکرد و مداخله‌ی نیمی از آنها از حضور دیگران در صحنه متأثر هست؛ در واقع منوط به مداخله‌ی دیگران و سپس مداخله و کمک خود فرد پاسخگو می‌باشد.
- ✓ بر اساس نتایج تحقیق، ۴۱ درصد از پاسخگویان ابراز کرده‌اند از تجربیات نوع دوستانه‌ی گذشته خسارت یا تنبیه دریافت نموده‌اند یا فکر می‌کنند اگر قصد کمک داشته باشند و مداخله‌ای انجام دهند، به دردسر خواهند افتاد. ۴۰ درصد آنها دیدگاه متوسطی در این زمینه ابراز داشته‌اند که این امر می‌تواند دو تبیین داشته باشند؛ در برخی از تجربیات نوع دوستانه خسارت دیده‌اند و یا اینکه ممکن است با مداخله در برخی از موقعیت‌هایی که نیازمند یاری‌رسانی می‌باشد، به دردسر بیافتند.
- ✓ در رابطه با نوع دوستی، ۶۹ درصد از پاسخگویان میزان نوع دوستی خود را در حد کم را گزارش داده‌اند. این بدان معناست که با توجه به گویه‌هایی که گرایش به نوع دوستی را سنجیده‌اند، اکثریت پاسخگویان جهت‌گیری رفتاری نوع دوستانه ندارند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق قصد داریم که با توجه به سطح سنجش متغیرها (در اینجا: فاصله‌ای) از آزمون‌های پارامتریک (همبستگی پیرسون) استفاده کنیم. لازم به ذکر است مهم‌ترین شروط آزمون پارامتریک عبارتند از: ۱- سطح سنجش متغیر وابسته فاصله‌ای باشد؛ ۲- توزیع داده‌ها نرمال باشد. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای، تحقیق از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده شد.

جدول ۳: بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

متغیر	نهادگرایی	شهرگرایی	غفلت جمعی	لوث مسئولیت	تجربه خسارت	نوع دوستی
Z	۲/۵۸۷	۳/۶۴۱	۵/۳۵۷	۴/۶۷۶	۳/۹۹۱	۶/۴۷۲
سطح معنی‌داری	۰/۰۷	۰/۰۵۵	۰/۱۱	۰/۱	۰/۰۶	۰/۷

در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف اسمیرنف بیشتر از ۰/۰۵ باشد می‌توان نتیجه گرفت توزیع داده‌های مربوط به متغیر، تفاوت معنی‌داری با توزیع نرمال

ندارد. همان‌طور که در جدول فوق گزارش شده است؛ سطح معنی‌داری همه‌ی متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۰۵ محاسبه شده است، پس می‌توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرها تفاوت معناداری با توزیع نرمال ندارد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

نهادگرایی	شهرگرایی	غفلت جمعی	لوث مسئولیت	تجربه‌ی خسارت
-۰/۴۱	-۰/۷۲	-۰/۳۷	-۰/۲۷	-۰/۵۶
۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۵	۰/۵	۰/۰۰۰
				رد فرضیه
*	*	*	*	تأیید فرضیه

✓ بر طبق یافته‌های تحقیق می‌توان گفت اعتقاد به دخالت نهادهای تخصصی در موقعیت‌های اضطراری تأثیر منفی و متوسطی بر نوع‌دوستی دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان نهادگرایی و اعتقاد به اینکه در موقعیت‌های اضطراری وظیفه‌ی نهادهای تخصصی و تعریف شده است که مداخله و مسئله را برطرف نمایند، بیشتر باشد، میزان نوع‌دوستی کمتر خواهد بود؛ بنابراین این فرضیه‌ی تحقیق با دلالت بر رابطه‌ی بین اعتقاد به دخالت نهادهای تخصصی در مواقع اضطراری و نوع‌دوستی تأیید شد و از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نتیجه‌ی حاصل قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر می‌باشد.

✓ با توجه به داده‌های جدول فوق می‌توان گفت وجود روحیه‌ی شهرگرایی در افراد تأثیر منفی و قوی‌ای بر نوع‌دوستی دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان شهرگرایی بیشتر باشد، میزان نوع‌دوستی کمتر خواهد بود؛ بنابراین فرضیه‌ی تحقیق با دلالت بر رابطه‌ی بین شهرگرایی و نوع‌دوستی تأیید شد و از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نتیجه‌ی حاصل قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر می‌باشد.

✓ یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین درک و شناسایی یک رویداد بعنوان موقعیت اضطراری و نوع‌دوستی و اقدام نوع‌دوستانه رابطه‌ی مثبت و متوسطی وجود دارد. به بیان دیگر، اگر افراد یک اتفاق را اضطراری و نیازمند مداخله تشخیص دهند، احتمال می‌رود در جهت حل و برطرف کردن مشکل اقدام نمایند؛ بنابراین این فرضیه‌ی تحقیق با دلالت بر رابطه‌ی بین درک موقعیت بعنوان اضطراری و نوع‌دوستی تأیید می‌گردد و از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نتیجه‌ی حاصل قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر می‌باشد.

✓ یافته‌ها نشان داد که بین حضور دیگران و نوع دوستی رابطه‌ی منفی و ضعیفی وجود دارد. این بدان معنا می‌باشد که چنانچه برداشت افراد حاضر در صحنه یک موقعیت اضطراری و چالشی این باشد که دیگران هستند و آنها باید کمک کنند و نه من، میزان نوع دوستی پایین‌تر خواهد آمد؛ بنابراین فرضیه‌ی تحقیق حاضر مبنی بر وجود رابطه بین حضور دیگران در صحنه و نوع دوستی تأیید می‌شود و با توجه به اینکه سطح خطا کمتر از ۵ درصد می‌باشد، می‌توان نتایج این پژوهش را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد.

✓ بر اساس یافته‌های پژوهش، بین دریافت خسارت از تجربیات نوع دوستانه گذشته و نوع دوستی رابطه‌ی منفی و متوسطی وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر افراد از اقدامات نوع دوستانه‌ی گذشته خود تنبیهی دریافت کرده و خسارتی و دردسری دیده باشند، در موقعیت‌های اضطراری جدید، تمایل کمتری به اقدام نوع دوستانه نشان خواهند داد. بنابراین این فرضیه‌ی تحقیق با دلالت بر رابطه‌ی بین دریافت خسارت از تجربیات نوع دوستانه و نوع دوستی تأیید می‌گردد و از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نتیجه‌ی حاصل قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر می‌باشد.

همچنین به منظور پیش‌بینی متغیرهای مستقل از طریق متغیر وابسته، از آزمون رگرسیون به روش گام‌به‌گام^۱ استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۵: نتایج آزمون رگرسیون متغیرهای تحقیق

Model Summary		Anova		Coefficients		مدل
R	R Square	F	Sig	Beta	Sig	
۰/۵۳	۰/۶۷	۰/۰۰۰	۱۲۸/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۸	نهادگرایی
				۰/۰۳۱	۰/۵۳	شهرگرایی
				۰/۰۰۵	۰/۱۳	غفلت جمعی
				۰/۰۳۷	۰/۲۴	تجربه‌ی خسارت

نتایج حاصل از رگرسیون گام‌به‌گام بیانگر این است که شهرگرایی و بعد از آن نهادگرایی بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای مستقل مورد بررسی، تنها لوث مسئولیت از مدل خارج شد که شاید علت آن، میزان پایین همبستگی این متغیر با متغیر نوع دوستی باشد. متغیرهای وارد شده بر مدل، در مجموع ۵۳ درصد از تغییرات نوع دوستی را پیش‌بینی می‌نمایند و باقیمانده (۴۷ درصد) به وسیله‌ی عوامل و متغیرهای دیگری است که در مدل نیامده است.

^۱ step wise

ارزیابی و نتیجه‌گیری

ارزیابی فرضیه‌ی نخست تحقیق؛ بین اعتقاد به دخالت نهادهای تخصصی در مواقع اضطراری (نهادگرایی) و نوع‌دوستی رابطه وجود دارد. این فرضیه از نظریه‌های مرتبط به تخصصی شدن و تقسیم کار استخراج شد. بر اساس این نظریه‌ها، با پیدایش تقسیم کار و تخصصی شدن جامعه، وظایف و اموری که قبلاً بر عهده‌ی افراد بود، به سازمان‌های تخصصی محول می‌شود؛ مثلاً در گذشته حل اختلافات و امور قضاوت را کدخدا انجام می‌داد؛ اما امروزه نهاد قاضی و پلیس این نقش را ایفا می‌کنند. بنابراین با پیدایش نهادهای حمایتی ویژه، نقش مردم عادی در مداخله و کمک کم‌رنگ‌تر می‌شود. با توجه به چنین نظریه‌هایی، فرضیه‌ی نخست تحقیق در صدد سنجش این امر بود که چه نسبتی بین چنین تصویری و نوع‌دوستی وجود دارد که با مشاهده‌ی رابطه‌ی همبستگی متوسط این فرضیه و در مرحله‌ی بعد نظریه درست به نظر می‌رسد.

ارزیابی فرضیه‌ی دوم تحقیق؛ بین شهرگرایی (عقلانیت، محاسبه‌گری و عدم تحریک‌پذیری عاطفی) و نوع‌دوستی رابطه وجود دارد. بر اساس نظریه‌های موجود در باب شهرگرایی و شهرنشینی، زندگی در شهر واجد خصوصیات روانی - رفتاری ویژه‌ای است که انسان‌ها را محاسبه‌گر و عقلانی می‌کند. چنین افرادی در برابر حوادث و رویدادها کمتر تحریک عاطفی می‌شوند و درواقع بی‌تفاوتی نشان می‌دهند، بنابراین در رابطه با صفت نوع‌دوستی، انتظار می‌رود آنان تمایلات نوع‌دوستانه‌ی کمتری نشان دهند. نتایج حاصل از سنجش این فرضیه نشان داد که این تئوری‌ها به درستی، تأثیر کاهنده‌ی شهرگرایی بر تمایلات نوع‌دوستانه را بیان داشته‌اند.

ارزیابی فرضیه‌ی سوم تحقیق؛ بین درک موقعیت‌ها بعنوان اضطراری و نوع‌دوستی رابطه وجود دارد. این فرضیه از نظریاتی برگرفته شده است که بر اساس آنها اگر افراد در برخورد با یک موقعیت غیر عادی، آن را اضطراری تشخیص دهند، انتظار می‌رود که در آن صحنه مداخله و کمک نمایند. در سنجش این فرضیه رابطه‌ی ضعیفی مشاهده شد بدان معنا که احتمال ضعیفی دارد حتی اگر افراد یک موقعیت را اضطراری تعریف نمایند، در آن مداخله نمایند. چیزی که می‌تواند این عدم برآورده شدن انتظار نظری را توجیه کند، وجود متغیرهایی است که هنگام اتخاذ تصمیم نهایی وارد می‌شوند. در واقع بسیاری از افراد یک صحنه را اضطراری تشخیص می‌دهند اما به هیچ عنوان مداخله‌ای در آن نمی‌کنند چرا که مثلاً تجربه‌ی خوشایندی از نوع‌دوستی گذشته ندارند یا این کار را وظیفه‌ی نهادهای سازمان‌های مربوطه می‌دانند و ...

ارزیابی فرضیه‌ی چهارم تحقیق؛ بین حضور دیگران در صحنه و اعتقاد به دخالت آنها و نوع‌دوستی رابطه وجود دارد. طبق نظریه‌هایی که این فرضیه از آن استخراج شده‌اند، اگر

در یک موقعیت اضطراری، افراد بیشتری حضور داشته باشند، به همان میزان احتمال مداخله و یاری‌رسانی کمتر خواهد شد چرا که افراد یکدیگر را متهم به پیش قدمی می‌کند. سنجش فرضیه‌ی تحقیق حاضر نیز وجود این رابطه را تأیید کرده است گر چه میزان همبستگی آن ضعیف است. ضعیف بودن این میزان را نیز شاید می‌توان به دلایل مختلفی همچون عدم مهارت در یاری‌رسانی (مثلاً به یک فرد بیهوش شده)، احساس خطر برای خود فرد و ... دانست.

ارزیابی فرضیه‌ی پنجم تحقیق؛ بین دریافت خسارت از تجربیات نوع‌دوستانه‌ی گذشته و نوع‌دوستی رابطه وجود دارد. فرضیه‌ی حاضر برگرفته از نظریه‌ای است که می‌گوید رفتار فعلی افراد را تجربه‌های گذشته‌ی آنان تعیین می‌کند. به بیان دیگر، اگر افراد در گذشته به خاطر انجام کنشی تشویق شده و پاداش گرفته باشند، در آینده نیز رفتارهای مشابه آن را تکرار خواهند کرد اما اگر خسارت دیده باشند، از انجام رفتارهای مشابه خودداری خواهند کرد؛ بنابراین، اگر فردی در قبال اقدام نوع‌دوستانه اش خسارتی دیده باشد، انتظار می‌رود که دیگر چنین اقدامی را تکرار نکند و در واقع علاقه‌ای به رفتارهای نوع‌دوستانه نداشته باشد. داده‌های تحقیق حاضر نیز با یافتن همبستگی متوسط بین داشتن تجربه‌ی خسارت و میزان نوع‌دوستی این نظریه را تأیید می‌کند.

پیشنهادات پژوهش

- تسهیل شرایط قانونی که افراد مداخله‌گر و یاری‌رسان دچار گرفتاری‌های بی‌مورد نشوند.
- ارائه‌ی آموزش‌های عمومی به شهروندان برای نحوه‌ی مواجهه با موقعیت‌های اضطراری.
- فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های گروهی همچون تلویزیون برای ارج نهادن به نوع‌دوستی.
- حمایت از تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های نوع‌دوستانه‌ی مردم نهاد در کنار سازمان‌های حرفه‌ای.
- تشویق مادی یا معنوی از افرادی که بویژه به صورت داوطلبانه یاری‌رسانی نموده‌اند.

فهرست منابع:

- احمدی، سیروس (۱۳۸۴). بررسی بی تفاوتی در روابط اجتماعی و علل و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- اخوان، مهدی (۱۳۸۷). پرونده‌ی فلسفه‌ی نوع‌دوستی، کتاب ماه فلسفه، شماره‌ی ۳ و ۱۱، تیر و مرداد.
- ارنسون، الیوت (۱۳۸۷). روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حسین شکرکن، تهران: نشر رشد.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول، تهران، انتشارات کیهان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بیرامی، منصور و دیگران (۱۳۹۰). "بررسی نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی تحول اخلاقی و میزان نوع‌دوستی"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین روانشناسی، سال ششم، شماره‌ی ۲۱ بهار.
- بیکر، تری آل. (۱۳۸۶). نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- پی. فرگاس، جوزف (۱۳۷۳). روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان‌فردی)، ترجمه‌ی خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر ابجد.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: نشر مرنديز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی شهری، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- دوچ، مورتون و رابرت کراوس (۱۳۷۴). نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- _____ کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ هفدهم.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- زاده‌محمدی، فاطمه (۱۳۸۷). "سنجش رابطه‌ی نوع‌دوستی و دینداری"، مجله‌ی سپیده‌ی دانایی، سال دوم، شماره‌ی پانزدهم، مرداد.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، اصول و مبانی، تهران: نشر پژوهشکده‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سایت مرکز آمار ایران به نشانی: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=784>

- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۸۹). روانشناسی اجتماعی، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات آوای نور.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ بیست و یکم تهران: نشر آگه.
- شارون، جوئل (۱۳۸۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی شهر، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر آگه.
- کرایب، یان (۱۳۸۹). نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک، مقدمه‌ای بر اندیشه‌ی مارکس، وبر، دورکیم، زیمیل، شهناز مسمی‌پرست، چاپ پنجم، تهران: نشر آگه.
- کریمی، صمد و دیگران (۱۳۸۶). بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه‌ی شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن، دوماهنامه‌ی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، اردیبهشت ۱۳۸۶، سال چهاردهم، شماره‌ی ۲۲.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ چهاردهم، تهران: نشر علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی.
- محسنی‌تبریزی، محسن و مجتبی صدافتی‌فرد (۱۳۹۰). پژوهشی درباره‌ی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مرد پژوهش: شهروندان تهرانی)، مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی (۴۳)، پاییز.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۶). مبانی روانشناسی اجتماعی، تهران: نشر علم.
- محمدی، نوالله (۱۳۷۳). بررسی تحول اخلاقی و دیگر دوستی در نوجوانان سرآمد و عادی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، نشریه‌ی اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
- ملایوسفی، مجید (۱۳۸۷). "نیگل و عینیت ارزش‌های اخلاقی"، نامه‌ی حکمت، سال ششم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهر، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- نادری، حمداله (۱۳۸۴). سنجش میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی.

نقدی، اسداله (۱۳۸۲). انسان و شهر (درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری). همدان: انتشارات فن‌آوران.

Piliavin, J.A. Charng, H. W; (1990). "Altruism: a review of recent theory and research", Annual Review of Sociology, No. 16.

Brewer, M.B. Crano; (1994). Social psychology, Newyork, west Publishing Company.

Redzo, Mujcic & Paul Frijters (2011). "Altruism in Society: Evidence from a Natural Experiment Involving Commuters", IZA Discussion Paper No. 5648.